فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، زمستان ۹۷، صفحات ۳۱-۹

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به زندگی مشترک بدون ازدواج در بین جوانان شهر تهران

پروانه دانش[۱]، پوران امیدوار[۲]، محمدجواد زاهدی مازندرانی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲٤

چکیده

در این مقاله نوع جدیدی از زندگی را یعنی هم‌خانه‌شدن دختر و پسر بدون ازدواج که در دهه‌های اخیر در کشور ما به دلایل مختلف گسترش یافته است مورد بررسی قرار داده‌ایم. هم‌چنین با ۲۰ نفر از پسران و دخترانی که روابط هم‌خانگی را در شهر تهران تجربه کرده‌اند مصاحبه شده است و روش تحقیق مورد استفاده نظریه‌ی زمینه‌ای است.

با استفاده از مفاهیم و مقولاتی که طی مراحل کدگذاری به دست آمده است، علل گرایش به زندگی مشترک بدون ازدواج، تحلیل شده است و مدل پارادایمی از این مفاهیم و مقوله‌ها به دست آمده است. مدل پارادایمی به‌دست‌آمده، تأثیر جهانی‌شدن به عنوان مقوله‌ی اصلی را بر شکل‌گیری زندگی مشترک قبل از ازدواج (هم‌خانگی) نشان می‌دهد. هم‌چنین بر اساس مدل ارائه‌شده استنباط می‌شود که تغییر ارزش‌های دینی در بین جوانان، تغییرات ساختاری به‌وجود آمده در جامعه و تغییر سبک زندگی که تحت تأثیر جهانی‌شدن در بین افراد جامعه مخصوصاً جوانان شکل گرفته است، زمینه را برای شکل‌گیری و گسترش هم‌خانگی در بین نسل جوان فراهم کرده است.

واژه‌های کلیدی: هم‌باشی، جهانی‌شدن، تغییرات ساختاری، تغییر سبک زندگی، جوانان، ارزش‌ها.

[۱] دانشیارجامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران(نویسنده‌ی مسئول) daneshpar@yahoo.com
[۲] دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران omidvar_p@yahoo.com
[۳] دانشیارجامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران m_zahedi@pnu.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و بیان مسأله

«خانواده نخستین سلول و واحد زندگی اجتماعی و اساسی‌ترین نهاد جامعه است که مرکب است از یک یا چند زن که با یک یا چند مرد زندگی می‌کنند و ممکن است کودکانی داشته باشند. روابط جنسی که مورد قبول جامعه است و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی‌های خانواده شمرده می‌شود»(تقوی،۸:۱۳۸۲). در چند دهه‌ی اخیر نهاد خانواده در جهان تحولات گسترده‌ای داشته است. تحولاتی که ریشه‌های آن را باید در انقلاب جنسی دهه‌ی ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست‌وجو کرد. یکی از مهم‌ترین نتایج انقلاب جنسی در غرب، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است؛ روابطی که به تدریج نقاط دیگر جهان را نیز فرا گرفت. زندگی مشترک[1] مواردی که زوجی بدون آن که ازدواج کرده باشند با هم زندگی می‌کنند و رابطه‌ی جنسی دارند، به گونه‌ی فزاینده‌ای در کشورهای غربی گسترش یافته است. در سوئد، آلمان شرقی و برخی کشورهای دیگر، زندگی مشترک قبل از ازدواج برای زوج‌ها به صورت هنجار درآمده است. از آن‌جا که تنها در دوران اخیر است که نسبت زیادی از افراد به شیوه‌ی زندگی مشترک بدون ازدواج روی آورده‌اند، گفتن این که تا چه اندازه این شیوه‌ی زندگی اساساً نشانه‌ی به تعویق افکندن ازدواج و تا چه حد وضعیتی دائمی است، هنوز دشوار است.(گیدنز،۴۵۲:۱۳۸۳).

در آمریکا در دهه‌ی ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوی هم‌خانگی ازدواج می‌کردند؛ اما این آمار در دهه‌ی ۱۹۸۰ به یک میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید و در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ از مرز ۴۰۰۰۰۰۰ میلیون نفر گذشت. این در حالی است که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰ بیش از ۷ میلیون زوج یعنی ۱۴ میلیون نفر در آمریکا در قالب هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند. هم‌چنین نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بیش از نیمی از زنانی که در آمریکا ازدواج کرده‌اند، پیش از آن، رابطه‌ی هم‌خانگی را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند(گودوین[2]،۲۰۱۰).

در ایران نیز این نوع زندگی در بین جوانان در حال گسترش است. دختر و پسری که در جامعه و خانواده‌ی مسلمان رشد یافته است، در سن جوانی و زمانی که می‌تواند تصمیمی برای تشکیل خانواده بگیرد، زندگی در خانه‌ی مجردی را با یک جنس مخالف ترجیح می‌دهد. سبکی

[1] Cohabitation
[2] Goodwin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

متفاوت و نامعلوم از روابط اجتماعی که پیش از این در جامعه‌ی ایران کم‌تر دیده شده است. زندگی در خانه‌هایی که "بستری برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی" مختلف خواهد بود، هم‌خانه‌شدن با جنس مخالف بدون ازدواج رسمی، یعنی نوعی از زندگی با کم‌ترین تعهدات قانونی و شرعی و عرفی و خانوادگی. وقتی فردی وارد چنین رابطه‌ای می‌شود در واقع از نظر وی شکل‌های موجود و قانونی و شرعی زندگی خانوادگی ناکارآمد و دردسرساز به نظر آمده است و او بدون آگاهی، شکل جدیدی از زندگی را که پیش از این فقط شنیده یا در فیلم و سریالی مشاهده کرده انتخاب می‌کند. شکلی که بدون شک آسیب‌های بی‌شماری نه‌تنها برای طرفین این زندگی، بلکه برای جامعه خواهد داشت. تغییرات ارزشی در جامعه با شکاف بین نسل‌ها و پشت‌کردن نسل‌های جوان‌تر به ارزش‌های سنتی در جامعه شروع می‌شود و به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر می‌انجامد. در کنار تحولات نظام ارزشی در سال‌های اخیر، جامعه‌ی ایران با تغییرات ساختاری و اجتماعی دیگری در این سال‌ها دست به گریبان است. یکی از این موارد تغییر ساختار اقتصادی کشور و تبعات اجتماعی متعدد آن بر رفتارهای جوانان است. اکنون در ایران فاصله‌ی بین‌جنسی و بلوغ اقتصادی در ایران به بیش از ۱۰ سال رسیده است.

افزایش سن ازدواج فشارهای زیادی به جوامع با ساختار سنتی وارد کرده است. در حال حاضر در ایران بیش از ۱۲ میلیون جوان در سن ازدواج هستند که ازدواج نکرده‌اند. مشکلاتی که جوانان با آن روبرو هستند باعث شده است که در آن‌ها احساس آنومی افزایش یابد و این احساس آنومی موجب شکل‌گیری ارزش‌های جدید در میان بخشی از جوانان شده است(آزاد ارمکی،۱۳۹۰:۳).

باورها و ارزش‌های فردگرایی ما، نهادهای اجتماعی را به شکل مانع، یا در بهترین حالت، صرفاً وسیله‌ای برای تحقق خویشتن نشان می‌دهند. این فرهنگ فردگرا به تضعیف اقتدار نهادهای کلیدی‌مان، از خانواده تا دولت، کمک کرده است؛ باعث جدایی افراد از همان اجتماعاتی (خانواده‌ها، همسایه‌ها، کلیسا یا همکاران) شده که آن‌ها را پرورش داده‌اند(سیدمن[1]،۱۳۹۲:۱۵۰). با توجه به این که در جامعه‌ی ما ازدواج و تشکیل خانواده به شکل سنتی و در چارچوب مذهبی آن پذیرفته شده و در بین مردم رواج یافته است، این سؤال مطرح می‌شود که افزایش زندگی مشترک بدون ازدواج در بین جوانان که بنا به دستور شرع مقدس، پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و غریزی

[1] Sidman Steven

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

و تمایل و گرایش به جنس مخالف، تنها و تنها باید با ازدواج تأمین شود و بدون عقد قرارداد ازدواج هر گونه ارتباط و معاشرت، نادرست و گناه تلقی می‌شود به چه علت‌هایی است؟ با توجه به متفاوت‌بودن ساختار جامعه‌ی ما با جوامع غربی، چه مسائلی باعث شکل‌گیری و رواج این نوع زندگی در بین جوانان شده است؟

پیشینه‌ی پژوهش

زندگی مشترک بدون ازدواج یا هم‌باشی، همواره در تاریخ وجود داشته و در دوران‌های گوناگون کمابیش مرسوم بوده است. در حال حاضر به نظر می‌رسد که مثلاً در کشوری مثل دانمارک، هم‌باشی کاملاً به اندازه‌ی ازدواج رواج دارد(مانیشه،۱۹۹۱) و به نظر می‌آید که در سایر ملل اروپایی نیز با سرعت دارد به وضع مشابهی می‌رسد. البته در میان کشورها تفاوت زیادی وجود دارد و در برخی از آن‌ها هم‌باشی به لحاظ قانونی به رسمیت شناخته شده است. (برناردز،۱۳۸٤:۲۳۵)

مهسا مهدیه و فریبا سیدان(۱۳۹٤) پژوهشی با عنوان تحلیل جنسیتی روابط هم‌خانگی مشترک در زنان و مردان ایرانی(زوج‌های تهرانی) انجام داده‌اند. این مقاله برگرفته از تحقیقی میدانی و حاصل مصاحبه‌ی عمیق با ۲۰ نفر از زنان و مردانی است که این رابطه را تجربه کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، میان ادراک زنان و مردان از هم‌خانگی تفاوت وجود دارد. هم‌چنان که عشق در این روابط بسیار مهم است، زنان زودتر دلبسته شریک‌شان شده و آغاز رابطه را عاطفی دانسته و روابط‌شان را مقدمه‌ای برای ازدواج با شریک‌شان می‌دانستند. مردان دیرتر از زنان وارد رابطه‌ی عاطفی با شریک‌شان شده و آغاز رابطه را منطقی توصیف کرده‌اند و رابطه‌شان را مقدمه‌ای بر ازدواج ندانستند و انتخاب همان شخص برای ازدواج‌شان قطعی نبوده است. نتایج پژوهش، دیدگاه گیلیگان درباره‌ی تفاوت‌های جنسیتی را تأیید می‌کند؛ زنان عمدتاً به روابط شخصی و احساسات و مردان به ابعاد منطقی و انتزاعی آن توجه دارند.

آزاد ارمکی و همکاران(۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در ایران انجام داده‌اند. در این تحقیق، با ۲۱ نفر از پسران و دخترانی که روابط هم‌خانگی را تجربه کرده‌اند مصاحبه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هم‌خانگی محصول فرآیند تجدد ایرانی و گسترش جهانی‌شدن و ورود آن به ایران است؛ فرآیندهایی که ابتدا با تغییر اوضاع اقتصادی و فرهنگی (نظام ارزشی) جامعه، به تدریج، تغییرات اجتماعی متفاوتی را در داخل کشور

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پدید می‌آورند. نتیجه‌ی این تغییرات اجتماعی، که خود برآمده از تحولات اقتصادی و فرهنگی سال‌های اخیر است، پیدایش الگوهای هم‌خانگی در میان برخی از جوانان کشور بوده است.

تقی آزاد ارمکی(۱۳۹۰) با همکاران در مقاله‌ای دیگر با عنوان "سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران"، با ٥٤ نفر از پسران و دخترانی که تجربه‌ی این روابط را داشتند مصاحبه کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران به حداقل "شش دسته" تفکیک و تکثیر شده است. این الگوها عبارتند از ۱. روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)؛ ۲. روابط صیغه‌ای؛ ۳. روابط دوست دختر ـ دوست پسر؛ ٤. روابط هم‌خانگی؛ ٥. روابط ضد عاشقانه (الگوهای فریب) و ٦. روابط مبتنی بر عشق سیال.

علی گل‌محمدی(۱۳۸٤) پژوهشی با عنوان تأثیر زندگی مشترک پیش از ازدواج بر فروپاشی ازدواج انجام داده است. در این مقاله آمده است که برخلاف این تصور که زندگی مشترک پیش از ازدواج فرصت‌های خوبی را برای درک بهتر زوج‌ها در اختیار ایشان قرار می‌دهد، اظهارات بسیاری از افراد شرکت‌کننده در این تحقیق حاکی از آن است که خطر بروز طلاق در میان آن دسته از زوج‌هایی که پیش از ازدواج‌شان زندگی مشترک را تجربه کرده‌اند، به مراتب بیش از کسانی است که فاقد چنین پیشینه‌ای بوده‌اند.

کاترین آندرسن[1] (۲۰۱٦) مطالعه‌ای با عنوان حکومت از طریق عشق: همباشی(زندگی مشترک بدون ازدواج) همجنس‌گرایان در سوئد انجام داده است. مفهوم عشق در بستر سیاسی سوئد در اوایل سال ۱۹۸۰ تحت عنوان قانون زندگی مشترک بدون ازدواج هم‌جنس‌گرایان پیشنهاد شد. قانون هم‌باشی همجنس‌گرایان به عنوان ابزاری در مقابله با تبعیض علیه زنان و مردان هم‌جنس‌خواه در گزارش دولت ارائه شد و پیشنهاد شد که ایده‌ی عشق به هم‌جنس با عشق به جنس مخالف پایه و اساس یکسانی داشته باشد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه حمایت از روابط هم‌جسن‌خواهانه، به شدت به خواسته‌های افراد هم‌جنس‌خواه اعتبار می‌بخشد. بر اساس گرایش ایده‌ی ضروری، استفاده از عشق به عنوان نشانه‌ای از شاخص نرمال‌بودن گرایش هم‌جنس‌گرایانه و محدودکردن افراد به تک‌همسری و ثبات روابط هم‌جنس‌گرایانه در حال ایجاد یک مفهوم هویت هم‌جنس‌گرایانه هستیم. با این حال قانون تنها تعداد محدودی از این انتخاب‌ها را به رسمیت می‌شناسد.

[1] Catrine Andersson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دوروتا روسکویچ[1] (۲۰۱٤) پژوهشی با عنوان "هم‌باشی قبل از ازدواج" انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اشکال مختلف و آداب و رسوم ساخته‌شده درباره‌ی نهاد ازدواج، به خصوص رفتارهای قبل از تأهل، آداب و رسوم اجتماعی خاصی را به دست می‌دهد که شامل مجموعه‌ای از رفتارها و هنجارهای پذیرفته‌شده به وسیله‌ی خانواده و اجتماع است؛ تغییرات ناشی از جداسازی تولید مثل و روابط جنسی، منجر به بروز روابط جنسی خارج از ازدواج و تشکیل خانواده شده است، پدیده‌ی جدیدی به نام خصوصی‌سازی جنسی که قضاوت را در مورد زندگی جنسی دیگران محدود می‌کند مشاهده شده است، حوزه‌ی تمایلات جنسی نباید توسط مذهب یا شخص دیگری ارزیابی و تابوی خودداری رابطه‌ی قبل از ازدواج شکسته شود که در نهایت پدیده‌ی هم‌باشی قبل از ازدواج را در سطح گسترده می‌توان مشاهده کرد.

چارچوب‌مفهومی

افزایش ناامنی شغلی با فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد مرتبط است. فرآیندی از تغییرات که اقتصاد رقابتی را به سراسر جهان و هم‌چنین درون بسیاری از کشورها کشانده است. جهانی‌شدن چون تیغ دولبه‌ای است که هم در سطح کلان موجب افزایش ثروت در کشورها و هم در سطح خرد باعث کاهش امنیت روانی سوژه‌های اجتماعی از آینده‌ی شغلی خود می‌شود. سرمایه‌داری با ایجاد اقتصاد رقابتی، امنیت را نه فقط از کارمندان و کارگران که حتی از مدیران و کارفرمایان هم ستانده است. امروزه کم‌تر کسی می‌تواند از آینده‌ی شغلی خود با قطعیت سخن بگوید؛ از این رو که تجدد با نبود قطعیت پیوند یافته است(گیدنز،۱۳۸۳:۵۷).

امروزه در جوامع مرفه، زنان فرصت‌های بیش‌تری برای تحصیل، حضور در نیروی کار مزدی، حوزه‌ی عمومی گسترده‌تر و برداشت‌های مساوات‌طلبانه‌تر از نقش‌های جنسی دارند. ساختار نوعی خانواده نیز طی نیم قرن گذشته از رهگذر افزایش سن ازدواج، الگوی زندگی مشترک بدون ازدواج، افزایش تعداد خانوارهای تک والدی، افزایش میزان طلاق و جمعیت سال‌خورده در جوامع پساصنعتی، هم برای زنان و هم برای مردان تغییر کرده است(اینگلهارت[2]،۱۳۸۹:۳۳۵).

[1] Dorota Ruszkeiwicz
[2] Inglehart Ronald

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هابرماس[1] بر این باور است که در وجود انسان، نیازهای اساسی و اصلی وجود دارد که همگی افراد کاملاً آزاد، این نیازها را در خود احساس می‌کنند و این نیازها که از طرف هر کس که صمیمانه وارد گفتمان عملی می‌شود، ضرورتاً برآورده خواهدشد. بنابراین در محیط‌های تعاملی مثل اینترنت و تلفن همراه که فضای احساسی دوسویه و روابط صمیمانه‌تر است، افراد به راحتی می‌توانند نیازهای خود را مطرح و فضای گفتمان و مباحثه را ایجاد کنند و طی این مباحثه افکار و باورهای جدیدی شکل می‌گیرد که باعث تغییر زیست جهان افراد خواهد شد(استیون، ۷:۱۳۸۰).

تمایز اجتماعی، کثرت‌گرایی فرهنگی و سکولاریسم موجب ترغیب فردگرایی می‌شوند. در جوامع مدرن انسان‌ها باید آزادی بیش‌تری را برای خلق قواعد اجتماعی که زندگی‌شان را تنظیم می‌کند، داشته باشد. آزادی فردی بدون آن که انسجام اجتماعی را تنظیم کند، چنین امری را ممکن می‌سازد؛ چون دیگر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را دولت، کلیسا یا خانواده وضع نمی‌کنند. (سیدمن،۱۳۹۲:۶۳).

افراد در طول سال‌های تکوین، لزوماً تمام ارزش‌های مطلوب جوامع‌شان را فرا نمی‌گیرند؛ بلکه به احتمال زیاد آن ارزش‌هایی را می‌پذیرند که با تجربه‌ی مستقیم‌شان در سال‌های تکوین سازگار است. آن‌ها از ارزش‌هایی که با تجربه‌ی مستقیم‌شان سازگار نیستند فاصله می‌گیرند. این امر وقوع تغییر ارزشی بین نسلی را ممکن می‌سازد. اگر نسل جوان در شرایط بسیار متفاوتی از نسل‌های قبل اجتماعی شود، ارزش‌های کل جامعه به تدریج با جایگزینی بین نسلی تغییر خواهد یافت (اینگلهارت،۱۳۸۹:۱٤۳).

از نظر دورکیم[2] صنعتی‌شدن موجب شده است که احساسات و هیجان‌های انسانی از قید و بند خارج شوند. در حالی که در جوامع ابتدایی، عمدتاً از طریق دین با موفقیت به مردم یاد دادند تا امیال و آرزوهای‌شان را کنترل کنند. جوامع مدرن صنعتی در نتیجه‌ی افزایش پیچیدگی و تقسیم کار، مردم را از یکدیگر جدا و پیوندهای اجتماعی‌شان را سست کردند. از نظر دورکیم افراد در جوامع غربی، در معرض خطر بی‌هنجاری‌اند. بی‌هنجاری وضعیتی است که هنجارهای اجتماعی و یا اخلاقی را در هم می‌ریزد؛ با ابهام مواجه می‌شوند یا اصلا وجود ندارند. افراد وقتی بی‌هنجاری را احساس کنند، به سمت رفتارهای انحرافی سوق می‌یابند. افراد زمانی با بی‌هنجاری روبه‌رو

[1] Jürgen Habermas
[2] Émile Durkheim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌شوند که در برابر محدودیت‌های اخلاقی بسنده قرار نگیرند یا این که تصور روشنی از رفتارهای مقبول و غیر مقبول نداشته باشند(دیلینی،۱۳۸۷:۱٥٤).

از نظر اینگلهارت فرآیند غیر دینی‌شدن، تغییرات فرهنگی سازمان‌یافته‌ای را با خود می‌آورد که در جهت قابل پیش‌بینی‌ای حرکت می‌کنند؛ از اهمیت دین در زندگی مردم می‌کاهند و پایبندی به هنجارهای فرهنگی سنتی را سست و مردم را نسبت به طلاق، سقط جنین، هم‌جنس‌گرایی و دگرگونی فرهنگی به طور کلی شکیباتر می‌سازند(اینگلهارت،۱۳۸۹:۳۱۷).

روش پژوهش

روش انجام این تحقیق روش‌شناسی کیفی به عنوان روش غالب و روش نظریه‌ی زمینه‌ای[1] برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

در مطالعه‌ی زمینه‌ای، محقق به‌طور نمونه مصاحبه‌ای را با ۲۰ یا ۳۰ نفر بر اساس چندین دیدار "از میدان" انجام می‌دهد و یافتن اطلاعـات تا زمانی‌که هیچ اطلاعات بیش‌تری برای اضافه‌کردن به آن‌ها نتوان یافت، ادامه می‌یابد(جاناتان و اسمیت[2]،۲۰۰۹)

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه با سؤالات باز و در کنار آن مشاهده برای تکمیل اطلاعات استفاده شده است. جامعه‌ی آماری، جوانان شهر تهران می‌باشد که این نوع زندگی را انتخاب کـرده‌انـد(زندگی مشترک قبل از ازدواج) و روش نمونه‌گیـری، گلـوله برفی می‌باشد. به‌گونه‌ای که برای پیداکردن نمونه‌های جدید از افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده است کمک خواسته‌ایم. از آن‌ها خواسته شده است که اگر در بین دوستان و یا آشنایان‌شان کسی را که به این شکل زندگی می‌کند می‌شناسند معرفی کنند و بعد از معرفی و موافقت‌شان با آنها مصاحبه شده است. البته بعضی از نمونه‌ها به دلیل شغل یا سمت بالا(رئیس بانک) و به دلیل حساسیت موضوع حاضر به مصاحبه‌ی حضوری نشده‌اند و فقط حاضر شده‌اند با ایمیل به سؤالات پاسخ دهند.

[1] Granded Theory
[2] Jonothan & Smith

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش در پی آن هستیم که نوع جدیدی از زندگی یعنی هم‌خانه شدن دختر و پسر را قبل از ازدواج که در دهه‌های اخیر در کشور ما به دلایل مختلف گسترش یافته است مورد مطالعه قرار دهیم. برای این کار با افرادی که این نوع تجربه را داشتند مصاحبه به عمل آمده است و اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه را به صورت مفاهیم و مقوله‌ی مرتبط با موضوع درآورده و به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌ایم. سؤال اصلی در این تحقیق این است که با توجه به متفاوت‌بودن ساختار جامعه‌ی ما با جوامع غربی، چه مسائلی باعث شکل‌گیری و رواج این نوع زندگی در بین جوانان شده است؟

جدول شماره‌ی یک- مقوله‌ها و زیرمقوله‌های به‌دست‌آمده در پژوهش

مقوله‌ی هسته	مقوله‌ی عمده(کدگذاری ثانویه)	زیرمقوله (کدگذاری اولیه)
جهانی شدن	کاهش اثرگذاری ارزش-های دینی	عدم توجه به محرم بودن در رابطه با جنس مخالف، زیر سؤال بردن ارزش‌های دینی، عدم تقدس ازدواج برای جوان‌ها، بی‌اعتقادی، دست و پاگیر بودن شرعیات دینی
	تغییر سبک زندگی	استفاده از ماهواره و اینترنت، بالارفتن سن ازدواج، بالارفتن تحصیلات، حضور بیش‌تر زنان در مکان‌های عمومی،کاهش کنترل والدین بر فرزندان، فردگرایی
	تغییرات ساختاری	صنعتی‌شدن جامعه، زندگی در کلان‌شهر و گم‌نامی، به حداقل رسیدن نظارت اجتماعی، بیکاری و عدم امنیت شغلی، تفاوت بین نسل‌ها، کاهش نقش ارزش‌های سنتی

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۱ مشاهده می‌شود با کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مفاهیم مرتبط استخراج شده است و در نهایت مقوله‌ی هسته در طی مصاحبه و با تحلیل مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها و تا رسیدن به اشباع نظری حاصل شده است. هر کدام از این مفاهیم و مقوله‌ها بیان‌گر ایده‌ها، نگرش‌ها، شرایط و موقعیتی است که نمونه‌های مورد بررسی را به سمت این شکل از زندگی سوق داده است و باعث گسترش آن در جامعه‌ی ما شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتایج بسیاری از تحقیقات در جامعه‌ی ایران حاکی از تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های ایرانیان به خصوص جوانان است؛ تا جایی که بعضی از محققان معتقدند ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حال شکل‌گیری و بازتولید هستند(عبداللهیان،۱۳۸۳:۶۵). در این میان یکی از حوزه‌هایی که به شدت تحت تأثیر تغییرات نگرشی و ارزشی قرار گرفته، ارزش‌های پیرامون نهاد خانواده و ازدواج است. یکی از پدیده‌های اجتماعی معاصر جامعه‌ی ایران که به نوعی بر نهاد خانواده تأثیر دارد، گسترش زندگی مشترک بدون ازدواج است. در دهه‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی چون شهرنشینی، صنعتی شدن، بالارفتن سطح تحصیلات و سواد جامعه، حضور دختران و زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش هم‌حضوری زنان و مردان، گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی و آشنایی جوانان با ارزش‌های غربی، این پدیده به شکل نوظهور در جامعه بازتولید شده است.

با توجه به مفاهیم استخراج‌شده از جدول می‌توان گفت تغییرات ساختاری، تغییر سبک زندگی و کاهش اثرگذاری ارزش‌های دینی در جامعه‌ی ما که تحت تأثیر جهانی‌شدن به وجود آمده است، زندگی مشترک بدون ازدواج را در بین جوانان جامعه‌ی ما گسترش داده است.

جهانی‌شدن

تقریباً هر ملتی و زندگی بیلیون‌ها نفر در سرتاسر کره‌ی زمین بر اثر جهانی‌شدن، اغلب به طور کاملاً اساسی در حال دگرگون شدن است. درجه و تأثیر آن را می‌توانیم به هر جا که نگاه می‌کنیم ببینیم. جهانی‌شدن به همسانی فزاینده در سرتاسر جهان ختم می‌شود. فرهنگ‌ها در نتیجه‌ی جهانی‌شدن در حال تغییر از بیخ و بن است. فرهنگ‌های جهان دست کم تا حدی و از برخی لحاظ در حال مشابه‌شدن هر چه بیش‌تر به نظر می‌آیند.

جهانی‌شدن پدیده‌ای است چند بعدی که هر یک از ابعاد آن می‌تواند بر خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی تأثیرگذار باشد. یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی‌شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و ازپیش‌تعیین‌شده‌ی اعضای خانواده است. بدین سان حضور گسترده‌ی زنان شاغل در زندگی اجتماعی، تغییر و تنوع شکل‌های ازدواج در جوامع، تنزل جایگاه ازدواج در شکل سنتی آن و کاهش تأثیر ازدواج در فرآیند هویت‌یابی فرد از جمله پیامدهای تغییر نقش در عصر جهانی‌شدن است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در طی سال‌های اخیر، نهاد خانواده در ایران تحت تأثیر جهانی‌شدن دست‌خوش دگرگونی زیادی شده است؛ از جمله دگرگونی در میزان تحصیلات و اشتغال زنان و به دنبال آن بالارفتن سن ازدواج و تغییر ارزش‌ها در جوانان می‌باشد.

با توجه به مسائل و دلایلی که توسط نمونه‌های مورد بررسی اذعان شده است، نداشتن امنیت شغلی و بیکاری طولانی‌مدت آن‌ها و به دنبال آن مشکلات اقتصادی که با آن مواجه هستند، از دلایل بالارفتن سن ازدواج و تمایل به زندگی مشترک بدون ازدواج در بین آن‌ها بوده است. این نوع زندگی به دلیل تعهد و مسئولیت کم‌تر و هزینه‌های کم‌تر مورد استقبال قرار گرفته و در بین جوانان گسترش یافته است.

تغییر سبک زندگی

تغییرات دهه‌ی اخیر در ایران با توجه به پیش‌آمادگی‌ها و تقاضاهای درونی متأثر از تأثیرات بیرونی بوده است. با تحول در جامعه، خانواده نیز دچار تحول می‌شود.

روابط هم‌خانگی رقیب جدی ازدواج است. الگویی از رابطه‌ای که بسیاری از تعهدات و شرایط ازدواج را دارد اما از قوانین، سنت‌ها و محدودیت‌های آن گریزان است. این نوع زندگی در ایران به گونه‌ای است که دو شریک زندگی، افرادی تحصیل‌کرده و با تفکراتی روشن‌فکرانه که معمولاً بدون اطلاع خانواده به زندگی مشترک با یکدیگر روی آورده‌اند. احساس استقلال و رهایی از بند سنت‌های جامعه از مهم‌ترین علل شکل‌گیری این روابط از سوی این افراد عنوان می‌شود. اما این نوع از زندگی مشکلات خاص خود را دارد؛ این که جامعه این نوع زندگی را نپذیرفته و به نوعی غیرقانونی است. هم‌چنین احتمال برچسب خوردن‌های اجتماعی و شناخته‌شدن آن‌ها در بین مردم به نوعی ناامنی را برایشان به همراه دارد. با توجه به نداشتن مسئولیت هر یک از طرفین، هر زمان احساس نارضایتی کنند بدون هیچ مسئولیتی این زندگی را رها می‌کنند.

با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه‌ی ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است. ورود امکاناتی چون اینترنت و ماهواره به خانه‌ها سبک متفاوتی از زندگی را از جوامع و فرهنگ‌های متفاوت، پیش روی مخاطبان ایرانی خود قرار داده است و به گونه‌ای غیر مستقیم و پنهان ارزش‌های پیشین آن‌ها را به چالش طلبیده و در عین حال، برای زندگی، گزینه‌های جدیدی مقابل آن‌ها قرار می‌دهد؛ نمایش شیوه‌های دیگری از زندگی که به تغییر تدریجی ارزش‌ها و نگرش‌ها در جامعه منجر شده است. با بالارفتن تحصیلات، به طبع سن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ازدواج در بین جوانان نیز افزایش می‌یابد و بعد از به اتمام رسیدن درس به دلیل پیدانشدن شغل مناسب که لازمه‌ی تشکیل زندگی و ازدواج است باز هم ازدواج جوانان به تأخیر می‌افتد. در این مقطع به دلیل آشنایی جوانان با سبک‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی که از طریق رسانه‌ها و منابع مختلفی که این نوع زندگی را ترویج می‌کنند، مثلاً در سریال‌های ماهواره‌ای که شخصیت اول داستان به این شکل زندگی می‌کنند، این نوع زندگی به شکل عادی در می‌آید و در بین جوانانی که شرایطی برای ازدواج ندارند مورد استقبال قرار می‌گیرد و کم کم به دوستان خود که با آن‌ها در ارتباط هستند، این نوع زندگی را معرفی می‌کنند و گسترش پیدا می‌کند؛ یعنی ارزش‌های جوانان به دلیل شرایط جامعه به ناچار تغییر می‌کند.

با مشکل‌شدن ازدواج و بسته‌شدن راه‌های مشروع برقراری رابطه‌ی جنسی، الگوهای رفتاری غیر مشروع و آنومیک در جامعه گسترش می‌یابد. الگوهایی از رابطه که فرد به دنبال یافتن راه‌هایی جدید برای ارضای نیازهای خویش است. افزایش تحصیلات در سال‌های اخیر و ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی مثلاً دانشگاه‌ها و محیط کار، ارتباط دختر و پسر را ساده و هم‌چنین فن‌آوری‌های ارتباطی جدید مثل اینترنت، ماهواره و چت این ارتباط را پنهان کرده است. امروزه جوانان ایرانی از محدودیت‌های فضای عمومی پرهیز می‌کنند؛ فن‌آوری در این میان نقش مهمی را ایفا می‌کند. تلفن همراه، شبکه‌های اجتماعی مثل فیس بوک و... ارتباط اجتماعی را در همه جا امکان‌پذیر می‌کند؛ ارتباط‌هایی که در بسیاری از موارد به شکل تمایلات جنسی تغییر سطح داده است.

به دلیل دوربودن فرزندان از خانواده، کنترل والدین بر آن‌ها کم‌تر می‌شود تا حدی که حتی آن‌ها نمی‌دانند فرزندشان در چه شرایطی زندگی می‌کند. اکثر افراد مورد بررسی که با آن‌ها مصاحبه شده است، خانواده‌هایشان در شهرستان زندگی می‌کردند و در جریان زندگی فرزندشان قرار نداشتند. آن‌ها این موضوع را که با جنس مخالف هم‌خانه هستند، از خانوادهایشان پنهان کرده‌اند. فردگرایی در بین جوانان گسترش یافته است و پایبندی به ارزش‌ها و سنت‌های وضع‌شده توسط جامعه کاهش یافته است. آن‌ها آن نوع زندگی‌ای را که مناسب شرایطی است که در آن قرار دارند، انتخاب می‌کنند؛ بدون آن که به ارزش‌های جامعه و سنت‌ها بهایی بدهند. ارزش‌های آن‌ها تغییر می‌یابد و بالطبع با ارزش‌های نسل قبلی در تضاد قرار می‌گیرد. ارزش‌های نسل‌های قدیمی‌تر بیش‌تر جمع‌گراست و مصلحت و منافع اجتماع را در نظر می‌گیرد و طوری رفتار می‌کند که وجدان جمعی آسیبی نبیند؛ زیرا در صورت آسیب‌دیدن وجدان جمعی، هم فرد و هم جامعه بهایی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سنگین پرداخت می‌کرد؛ اما در بین نسل جوان ارزش‌های فردگرا و منافع شخصی در اولویت قرار دارد. از بین رفتن انسجام و آسیب‌دیدن وجدان جمعی در رفتار آن‌ها تأثیر چندانی ندارد. آن‌ها با توجه به منافع شخصی خود آن نوع زندگی‌ای را انتخاب می‌کنند که هزینه‌ی کم‌تر و لذت بیش‌تری برایشان به همراه داشته باشد. در واقع جامعه‌پذیری آن‌ها تحت تأثیر رسانه‌ها به گونه‌ای متفاوت انجام شده است و ارزش‌ها و هنجارهایی متفاوت از نسل‌های قبل در آن‌ها درونی شده است و بر اساس آن عمل می‌کنند.

سارا ۲۷ ساله

این نوع زندگی هم مزایا و هم معایبی داره. من مطمئنم که با کسی هستم که فقط با من رابطه داره؛ اما مطمئن نیستم تا همیشه با من بمونه. خوب البته اونم از این بابت مطمئن نیست. اصلاً به خاطر آزادبودن تو رابطمون این نوع از زندگیو انتخاب کردیم. ما فقط جاهای خاص و محدودی می‌تونیم با هم بریم؛ مثلاً دوستای خاص که با این نوع زندگی مشکلی ندارند.(تفاوت ارزشی بین نسل‌ها) من نمی‌تونم با دوستم برم خونه‌ی خودمون(پدر و مادر) اونا اصلاً نمی‌دونند من با کسی هم‌خونه‌ام (کاهش کنترل والدین بر فرزندان) اگه بفهمند منو نمی‌پذیرن (ترس طردشدن از خانواده) چون با این نوع زندگی مشکل دارند. دیگه نمی‌تونند تو فامیلو درو همسایه‌ها سر بلند کنند.(کم‌شدن تعامل اجتماعی با دیگران) از طرفی چون هیچ تعهد و مسئولیتی بین ما نیست(عدم پایداری رابطه) هرآن ممکنه رابطمون تموم بشه و همه چی به هم بخوره؛ این جاست که مطمئن نیستی به آینده؛ یعنی آینده‌ی روشنی نداری (احساس ناامنی و ناامیدی نسبت به آینده).

تغییرات ساختاری

خانواده یکی از کانون‌های تغییرات ارزشی جامعه محسوب می‌شود که در آن دو نسل «قدیم» و «جدید» با ارزش‌های مشترک و یا متفاوت هم‌زیستی دارند. در دوران نوین و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در خانواده و جامعه، اشکال، ساختار و ارزش‌های خانواده و به طور کلی الگوهای همسرگزینی و نظام خانواده تحت تأثیر صنعتی‌شدن، دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه، با آهنگی آرام در حال تغییر است. از جمله: امروزه، شبکه‌ی خویشاوندی مبتنی بر تبار و طایفه در اکثر جوامع تأثیر خود را از دست داده است؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ترویج ازدواج‌های غیرخویشاوندی به جای ازدواج‌های مبتنی بر خویشاوندی، به ویژه در نقاط شهری، روابط اجتماعی، روابط بین گروهی، رشد شخصیتی و بهبود نسل را دست‌خوش تغییر نمود.

در دو دهه‌ی اخیر، خانواده در ایران به لحاظ ساختاری و کارکردی و نیز جمعیتی دست‌خوش تغییر بوده است که این تغییر، خود ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به دنبال آن تضعیف خانواده‌ی گسترده و شکل‌گیری خانواده هسته‌ای است(شیخی، ۱۳۸۲ :٤٥). شکل جدید خانواده ارزش‌های جدیدی را نیز به همراه داشت که متفاوت از ارزش‌های خانواده‌ی گسترده و سنتی است.

این مسأله خود باعث تغییراتی در نقش و موقعیت افراد در داخل خانواده‌ها شده است. از جمله این که زنان بیش از گذشته با ورود به دانشگاه‌ها، سرمایه‌ی فرهنگی خود را افزایش داده و تنها راه ارتقاء سرمایه‌ی فرهنگی خود را بالابردن سطح تحصیلات دانسته‌اند. این امر خود باعث افزایش سن ازدواج شده است و این مورد زمانی می‌تواند امر مثبتی تلقی شود که همراه با آزادسازی روابط جنسی باشد؛ در غیر این صورت، روابط جنسی زیرزمینی شده و آسیب‌های اجتماعی چون فحشا را به همراه خواهد آورد. چالش‌های مابین ارزش‌های سنتی و مدرن، نیز ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن به علاوه تحولات عمیق و گسترده‌ی سیاسی و اقتصادی و پیدایی طبقه‌ی متوسط شهری، افزایش بی‌سابقه‌ی مصرف کالاهای جدید، ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای به زندگی شهروندان، موجب تغییرات ارزشی شدید در جامعه ما شده‌اند (ارمکی و خادمی، ۱۲:۱۳۸۲). با قاطعیت می‌توان گفت که در هیچ مقطع تاریخی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در درون جوامع به سرعتی که امروزه در حال تغییر است دچار دگرگونی نبوده است. همراه با دگرگونی‌های وسیع محیطی و ساختاری، نظام ارزشی جوامع نیز هرچند با تأخیر، اما به آن واکنش نشان می‌دهد و دچار دگرگونی می‌شود. این مسأله به خصوص برای جوامعی که فرآیندهای مدرنیزاسیون را به طور وارداتی و از بالا به پایین تجربه کرده‌اند مشهودتر است؛ چراکه با سرعتی که تغییرات محیطی و ساختاری دارند، نظام‌های ارزشی سنتی و جدید فرصت پیدا می‌کنند در تقابل و تعارض با یکدیگر قرار گیرند. در این میان جوانان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و منحصربه‌فرد خود و این که بیش‌تر در معرض فرآیندهای تغییر قرار می‌گیرند، زودتر از اقشار دیگر دچار تغییر می‌شوند و ارزش‌ها و نگرش‌های جدید را می‌پذیرند. از این رو جوانان به عنوان یکی از عوامل تغییر فرهنگی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجتماعی محسـوب می‌شوند؛ در حالی که ارزش‌ها و نگرش‌های سنتـی در میان بزرگ‌سالان و نسل‌های پیشین رواج دارند و با جانشین‌شدن نسل‌های جوان‌تر به جای افراد از نسل‌های گذشته، جهان‌بینی متداول در جوامع نیز دگرگون می‌شود.

صبا ۲۵ ساله

شاید این نوع زندگی برای آشنایی بیش‌تر مناسب‌تر باشه؛ اما من اگه شرایط ازدواج برام فراهم بود این نوع زندگی رو که مورد پذیرش اکثریت نیست انتخاب نمی‌کردم. رابطه‌ها با انتخاب این زندگی محدود می‌شه(کم‌شدن تعامل اجتماعی) من هم دوست دارم تشکیل خانواده بدم ولی چطوری؟ با کدوم شرایط؟ کی باید جواب بده؟ وقتی هیچ کس به فکر ما نیست خودمون راهشو یاد می‌گیریم. اگرچه اونا بگن اشتباه است. وقتی راهی برای درست رفتن نیست پس همه اشتباه می‌ریم(احساس سرخوردگی). با این حقوقی که من می‌گیرم، باید شهریه‌ی دانشگامو بدم،(تمایل به تحصیلات بالاتر) هزینه‌ی زندگی، بالاخره زندگی خرج داره،(مشکلات اقتصادی، ناامنی شغلی) وقتی تو این شرایط باشی و کسی بهت پیشنهاد بده باهاش هم‌خونه بشی اگه قبول نکنی عاقلانه نیست، نیازهای جنسی هم که باید برطرف بشه یه طرف قضیه است(فردگرایی و حساب‌گرانه رفتارکردن) فکر کردن نداره قبول کردم و الان دارم باهاش زندگی می‌کنم. هم‌خونه‌ی من هم خیلی از مشکلاتش کم‌تر شده، فعلاً با این شرایط زندگی می‌کنم شایدم تا همیشه، معلوم نیست چی پیش بیاد ...

خیلیا رو می‌شناسم که به این شکل زندگی می‌کنن حتی اگه هم‌خونه هم نباشن ولی با هم رابطه‌ی جنسی دارن...

جامعه این نوع زندگی رو نمی‌پذیره. ولی جـوان‌ها می‌پسنـدن و دارن زندگی می‌کنن(تغییـر ارزش‌ها)، تو خیلی از کشورها این نوع زندگی هست(تأثیرپذیری از ارزش‌های بیگانه) و مشکلی پیش نمیاد. ولی تو ایران ما خیلی محدودیت داریم چون این نوع زندگی غیرقانونیه، قانونی هم که شرایطش فراهم نیست!

یه چیزی بگم... مطمئن باش اگه نسل‌های قبل از ما هم این همه مشکلات داشتن مثل بیکاری، نداشتن شرایط ازدواج (تبعات صنعتی‌شدن جامعه) و... اونا هم این راهو انتخاب می‌کردن. حالا هم بهتره ما رو سرزنش نکنن. این شرایطیه که جامعه فراهم کرده پس همش ما مقصر نیستیم باید پا به پای دنیا پیش رفت...(کاهش نقش ارزش‌های سنتی)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کاهش ارزش‌های دینی

یکی از انگیزه‌های مهم برای ایجاد رابطه با جنس مخالف پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و غریزی است که بنا بر ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده در جامعه‌ی ما و بنا به دستور شرع مقدس، پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و غریزی باید با ازدواج و عقد قرارداد و جاری‌شدن صیغه‌ی عقد بین دختر و پسر حاصل شود. با توجه به مشکلاتی که برای ازدواج و تشکیل خانواده برای جوانان در چارچوب سنتی و دینی پیش می‌آید، مانند قواعد دست‌وپاگیر ازدواج که با توجه به شرایط و موقعیتی که جوانان در آن قرار دارند، قادر به هم‌نوایی با آن قواعد نیستند؛ در نتیجه عقاید و تعهدات مذهبی جوانان کم‌رنگ می‌شود و ارزش‌های مذهبی در بین جوانان رنگ می‌بازد؛ به گونه‌ای که بدون عقد قرارداد و صیغه‌ی محرمیت با جنس مقابل رابطه برقرار کرده و نیازهای غریزی و عاطفی خود را برطرف و ارزش‌ها و دستورات مذهبی و سنت‌ها را دست‌وپاگیر قلمداد می‌کنند و هیچ تعهد و مسئولیتی در برابر آن نمی‌پذیرند و پایبندی خود را نسبت به دین و ارزش‌های سنتی از دست می‌دهند. این دسته از افراد اعتقاد چندانی به جنبه‌های دینی و محدودیت‌های آن در برقراری رابطه‌هایشان ندارند.

شهرام ۲۹ساله

اگه الان بخوام برم خواستگاری و ازدواج کنم ازم می‌پرسن خونه داری؟ ماشین چطور، کارت در چه وضعیتیه؟(فراهم‌نبودن شرایط برای ازدواج سنتی) من که همه‌ی اینا رو نمی‌تونم اوکی کنم تا این شرایط برام جور بشه(که شاید اصلاً هم نشه) جوونیمون تموم شده، منو هم‌خونم با هم داریم زندگی می‌کنیم و خیلی از نیازهامون رو برطرف می‌کنیم. چرا باید این همه منتظر بمونیم تا این شرایط جور بشه، اصلاً چرا ازدواج کنیم؟(تغییر اولویت‌ها در نسل جدید، عدم تقدس ازدواج) همه تو کشورهای دیگه دارن این جوری زندگی می‌کنن(فرهنگ‌پذیری) خیلی هم خوشبختن اگه اونا رفتن جهنم ما هم می‌ریم. مگه اونا دین ندارن(بی‌اعتقادی) ولی وقتی شرایط زندگی‌کردن تغییر کرده ما هم باید تغییر کنیم. باید با توجه به شرایطی که همه‌ی مردم دنیا دارن پیش می‌رن ما هم پیش بریم. تا کی باید اسیر این قوانین شرعی و عرفی باشیم. باید طوری زندگی کنم که به روز باشیم. چرا باید به خاطر شرع و دین خودمونو محدود کنیم؟ کجای قرآن هم‌چین چیزی نوشته؟(دست‌وپاگیر بودن قواعد شرعی) ما آفریده شدیم که از زندگی کردن لذت ببریم؛ اونم به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هر روشی که خودمون احساس کردیم(فردگرایی و اولویت‌دادن به خواسته‌های خود) به سمت آرامش داریم می‌ریم. مگه غیر از اینه؟



مدل شماره‌ی یک- الگوی پارادایمی علل گرایش به زندگی مشترک بدون ازدواج در شهر تهران

با استفاده از مفاهیم و مقولاتی که طی دو مرحله کدگذاری به دست آمده‌است، علل گرایش به زندگی مشترک بدون ازدواج، تحلیل و مدل زمینه‌ای از این مفاهیم و مقوله‌ها استراخ می‌شود. مدل زمینه‌ای به‌دست‌آمده تأثیر جهانی‌شدن به عنوان مقوله‌ی اصلی را بر شکل‌گیری زندگی مشترک قبل از ازدواج(هم‌خانگی) نشان می‌دهد. هم‌چنین بر اساس مدل ارائه‌شده استنباط می‌شود که تغییر ارزش‌های دینی در بین جوانان، تغییرات ساختاری به وجود آمده در جامعه و تغییر سبک زندگی که تحت تأثیر جهانی‌شدن در بین افراد جامعه مخصوصاً جوانان شکل گرفته است، زمینه را برای شکل‌گیری و گسترش هم‌خانگی در بین نسل جوان فراهم کرده است. جهانی‌شدن، مسائل و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چالش‌های جدیدی را در سراسر جهان از جمله کشور ما ایجاد کرده است. جهانی‌شدن توانسته است ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف را متأثر سازد و در اثر مواجه‌شدن با بعضی الگوهای فرهنگی ناهمسان با فرهنگ ملی، آن‌ها را به ایجاد انسجام و استقلال در ارتباط درون‌بخشی وادار کند.

بیکاری ناشی از تغییرات سریع بازار کار و تحولات سریع فن‌آوری، مواجه‌شدن با ارزش‌های وارداتی و تضعیف بنیاد خانواده و رابطه‌ی مستحکم خانوادگی، پایبندی‌های اخلاقی و برخی آداب و رسوم ملی و مذهبی بخش قابل توجهی از آسیب‌های ناشی از جهانی‌شدن و ارتباطات یک طرفه و انفعالی در سطح جهان است. هم‌چنین جهانی‌شدن، ارزش‌ها و آرمان‌های جدیدی را به جوامع مختلف در جهان می‌آموزد و باعث تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن در جامعه می‌شود.

با توجه به تغییرات ساختاری که در چند دهه‌ی اخیر در ایران رخ داده است، برای زنان فرصت‌های بیش‌تری برای تحصیل در مقاطع بالاتر و حضور داشتن در حوزه‌های عمومی و اشتغال به کار فراهم گردیده است؛ که این خود افزایش سن ازدواج و برگزیدن شیوه‌های جدید ارتباط بین دختر و پسر، یعنی تشکیل زندگی مشترک بدون ازدواج را در بین جوانان گسترش داده است.

گسترش زندگی مشترک بدون ازدواج یکی از پدیده‌های اجتماعی معاصر جامعه‌ی ایران است که به نوعی بر نهاد خانواده تأثیر دارد. در دهه‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی چون شهرنشینی، صنعتی‌شدن، بالارفتن سطح تحصیلات و سواد جامعه، حضور دختران و زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش هم‌حضوری زنان و مردان، گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی و آشنایی جوانان با ارزش‌های غربی، این پدیده به شکل نوظهور در جامعه بازتولید شده است.

نسل‌های جوان‌تر با پذیرش عقاید و ارزش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دادن به تغییرات اجتماعی بر عهده می‌گیرند. حال آن که نسل‌های قدیمی‌تر با پایبندی به ارزش‌های سنتی جامعه، در برابر تغییرات سریع مقاومت نشان می‌دهند. این مقاومت صرفاً سرعت تغییرات را کاهش داده ولی آن‌ها را متوقف نکرده است. به همین دلیل است که ارزش‌های مرتبط با خانواده حتی در مواجهه با تغییرات پرشتاب اجتماعی و فرهنگی و تضاد ارزشی بین نسل‌ها و مقاومت‌های پیش رو نیز گرایش به تغییرات تدریجی را هم‌چنان در خود مشاهده می‌کند؛ اما در این بین مشکلات اقتصادی، گسترش ارتباطات و برخوردهای فرهنگی ناشی از این گسترش سبب شده‌اند

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

که روابط جنسی پیش از ازدواج با جنس مخالف به تدریج در میان نسل‌های جوان‌تر، جای پایی برای خود پیدا کنند؛ که این امر ناشی از مشکلات ساختاری در این حیطه است که زمینه را برای ظهور این پدیده‌ی اجتماعی- فرهنگی جدید فراهم کرده است. پدیده‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی دیگر در جامعه باشد.

اکثر مصاحبه‌شوندگان در صحبت‌های خود بر مشکلات اقتصادی که ناشی از بیکاری بوده است اشاره کردند؛ هم‌چنین آن‌ها تحت تأثیر رسانه‌ها و امکانات ارتباطی نوین، هم‌خانگی را انتخاب کرده‌اند. بیکاری باعث بالارفتن سن ازدواج در جوانان شده است و گسترش زندگی مشترک قبل از ازدواج یکی از راه‌هایی است که آن‌ها برای برطرف‌کردن نیازهای خود و از همه مهم‌تر نیازهای جنسی انتخاب کرده‌اند.

ماهواره و اینترنت سبک‌های زندگی جدیدی را از جوامع و فرهنگ‌های متعدد پیش روی جوانان قرار داده است و ارزش‌های پیشین آن‌ها را به چالش می‌کشد و گزینه‌های جدیدی را برای زندگی پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد. با توجه به تغییرات به وجود آمده در جامعه، گزینه‌های جدید (هم‌خانگی) برای زندگی در بین جوانان با استقبال روبه‌رو می‌شود؛ نتیجه‌ی این تحولات، تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارها در جامعه است که با گسترش آشکار و پنهان وسایل ارتباط جمعی تسریع شده است. این امر به خصوص در تضاد و اختلاف بین نسل‌ها و پشت‌کردن نسل‌های جوان به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی نمایان است.

نکته‌ی قابل توجه دیگر، گسترش این نوع زندگی در کلان‌شهرها است. زندگی در شهرهای بزرگ این امکان را فراهم می‌کند که جوان با محدودیت و امکان برچسب‌خوردن کم‌تر به این نوع زندگی روی بیاورد؛ زیرا در کلان‌شهری مثل تهران افراد به راحتی با گم‌نامی و محدودیت کم‌تر زندگی می‌کنند. اکثر سوژه‌های مورد بررسی که در تهران این نوع زندگی را انتخاب کرده‌اند، بدون اطلاع و آگاهی خانواده‌هایشان در شهرستان‌ها است. از مشکلات آن‌ها نداشتن رابطه با خانواده‌ها بوده است و ترس از فاش‌شدن این رابطه‌ها عنوان شده است. ارزش‌های این جوانان با خانواده-هایشان (پدر و مادر) با هم در تضاد است.

ناامنی در اشتغال و ناکافی‌بودن درآمد، باعث عدم تمایل جوانان به ازدواج شده است و به دنبال آن سن ازدواج افزایش یافته که این عوامل باعث شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج و افزایش زندگی مشترک بدون ازدواج در بین نسل جوان شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

با توجه به مدل به‌دست‌آمده می‌توان گفت ارزش‌های دینی، سبک زندگی و ساختار جامعه‌ی ما تحت تأثیر جهانی‌شدن، تغییرات اساسی داشته است و باعث تغییر ارزش‌ها در نهاد خانواده و به دنبال آن از بین رفتن اهمیت ازدواج به شکل سنتی و گسترش تشکیل خانواده به شکل جدید، یعنی زندگی مشترک بدون ازدواج در بین جوانان شده است.

نتیجه‌گیری

آن چه نسل امروز ما را دچار نوعی سرگردانی و پریشانی می‌کند، از سویی زندگی در جامعه‌ی اسلامی با فرهنگ و رسوم ایرانی است و از سوی دیگر رویارویی و ارتباط با تمدن‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت است که ملل مختلف را به گونه‌ای شگرف به یکدیگر نزدیک می‌کند. نسل امروز ما باید قادر باشد از طرفی بین عرف، نگرش‌های سنتی و دیرینه‌ی جامعه، ارزش‌های دینی و حتی شرایط خانواده‌ای که در آن پرورش یافته است و از سوی دیگر با افکار و گرایش‌های جدیدی که خاص ذهن پویای او و نشأت گرفته از پیچیدگی‌های دنیای امروز است هماهنگی ایجاد کند.

یکی از مسائلی که جوانان ما را در تضاد و تنش قرار می‌دهد، چگونگی روابط دختر و پسر با توجه به گرایش‌های فرهنگی، دینی، عرفی، اجتماعی و خانوادگی آن‌ها است. در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان، آزادی رابطه‌ی دختر و پسر مشهود است و نسل جوان ما نمی‌داند با این موضوع چگونه برخورد کند.

در این تحقیق که به روش زمینه‌ای انجام شده است، با ۲۰ نفر از جوانان تهرانی که تجربه‌ی زندگی مشترک بدون ازدواج را داشته‌اند مصاحبه شده است و برای تحلیل یافته‌ها از نظریه‌های اینگلهارت، گیدنز، سیدمن، دورکیم، دیلینی[1] استفاده شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده، تغییر ارزش‌های دینی در بین جوانان، تغییرات ساختاری به وجود آمده در جامعه و تغییر سبک زندگی که تحت تأثیر جهانی‌شدن در بین افراد جامعه مخصوصاً جوانان شکل گرفته است، زمینه را برای شکل‌گیری و گسترش هم‌خانگی در بین نسل جوان فراهم کرده است. جهانی‌شدن، مسائل و چالش‌های جدیدی را در سراسر جهان از جمله

[1] Delaney Tim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کشور ما به وجود آورده است. جهانی‌شدن توانسته است ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف را متأثر سازد و در اثر مواجه‌شدن با بعضی الگوهای فرهنگی ناهمسان با فرهنگ ملی، آن‌ها را به ایجاد انسجام و استقلال در ارتباط درون‌بخشی وادار کند.

با توجه به تغییرات به‌وجودآمده در جامعه، گزینه‌های جدید(هم‌خانگی) برای زندگی در بین جوانان با استقبال روبه‌رو می‌شود. نتیجه‌ی این تحولات تغییر تدریجی ارزش‌ها و هنجارها در جامعه است که با گسترش آشکار و پنهان وسایل ارتباط جمعی تسریع شده است. این امر به خصوص در تضاد و اختلاف بین نسل‌ها و پشت‌کردن نسل‌های جوان به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی نمایان است.

در نهایت با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت، ارزش‌های دینی، سبک زندگی و ساختار جامعه‌ی ما تحت تأثیر جهانی‌شدن، تغییرات اساسی داشته است و باعث تغییر ارزش‌ها در نهاد خانواده و به دنبال آن از بین رفتن اهمیت ازدواج به شکل سنتی و گسترش تشکیل خانواده به شکل جدید، یعنی زندگی مشترک بدون ازدواج در بین جوانان شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمد حسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱) «هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در ایران»، **فصل‌نامه‌ی جامعه‌پژوهی فرهنگی**، سال سوم، شماره‌ی ۱: ۷۷-۴۳.

۲. آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمد حسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۰) «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، **فصل‌نامه‌ی جامعه‌پژوهی فرهنگی**، سال دوم، شماره‌ی ۲: ۳٤-۱.

۳. آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمد حسین (۱۳۹۰) «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، **فصل‌نامه‌ی خانواده‌پژوهی**، سال هفتم، شماره‌ی ۲۸: ٤٦۲-٤۳۵.

٤. آزاد ارمکی، تقی و خادمی، حسن (۱۳۸۲) «ترجیهات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی»، **نامه‌ی پژوهش فرهنگی(فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی)**، سال هشتم، شماره‌ی ۸: ۲۸-۳.

۵. استیون، وایت (۱۳۸۰) **خرد، عدالت ونوگرایی**، ترجمه‌ی محمد حریری اکبری، تهران: قطره.

٦. اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹) **نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی**، ترجمه‌ی یعقوب احمدی، تهران: کویر.

۷. اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۹) **مقدس و عرفی دین و سیاست در جهان**، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.

۸. برناردز، جان (۱۳۸٤) **درآمدی به مطالعات خانواده**، ترجمه‌ی محسن قاضیان، تهران: نی.

۹. تقوی، نعمت الله (۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ هشتم، انتشارات پیام نور.

۱۰. دیلینی، تیم (۱۳۸۷) **نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**، چاپ چهارم، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی، وحید طلوعی، تهران: نی.

۱۱. سیدمن، استیون (۱۳۸٦) **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نی.

۱۲. شیخی، محمد تقی (۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی زنان و خانواده**، تهران: انتشارات شرکت سهامی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.

۱٤. گل‌محمدی، علی (۱۳۸۳) «تأثیر زندگی مشترک پیش از ازدواج بر فروپاشی ازدواج»، **مطالعات راهبردی زنان**، شماره‌ی ۲۵، ص: ۳۷۵-۳٦۰.

۱۵. عبدالهیان،حمید (۱۳۸۳) «نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی»، **زن در توسعه و سیاست**، شماره‌ی ۱۰: ۸٤-۵۷.

۱٦. مهدیه، مهسا و سیدان، فریبا (۱۳۹٤) تحلیل جنسیتی روابط هم‌خانگی مشترک در زنان و مردان ایرانی(زوج‌های تهرانی)، **همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی**، موسسه سفیران فرهنگی مبین: ۷۵-۸۳.

17. Alissa Goodman & Ellen Greaves (2010) Cohabitation, **marriage and child outcomes**,Published By The Institute for Fiscal Studies.

18. Blossfeld, H. P. & A. Timm(2003) **Who Marries Whom?** Educational Systems as Marriage Markets in Modern Societies, Dordrecht: Kluwer Academic.

19. Catrine Andersson(2016) «**Governing through love: Same-sex cohabitation in Sweden**»,Reprints and permissions: sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav , 10: 1-18.

20. Dorota Ruszkiewicz(2014)«**Pre-marital cohabitation, Pedagogika Rodziny**», Family Pedagogy, 4: 81-89.

21. Goodwin,P . Y .W . D. Mosher,& A. Chandra(2010) «**Marriage and Cohabitation in the United state, A Statistical Portrait Based on Cycle 6 (2002) of the National Survey of Family Growth**», Vital and Health Statistics, 28:18-37.

22. Jonothan A. Smith, Paul Flowers and Michael Larkin(2009), **Interpretative Phenomenological Analysis,British Library Cataloguing in Publication data**.

23. Keirnan, K. (2004) «**Changing European Families**», The Blackwell Companion to the Sociology of Families,28: 17-33.

24. Higgins, L. T., Zheng, M., Liu, Y., & Sun. C. H.(2002) «**Attitudes to marriage and sexual behavior**», sex Roles ,75-89.

25. Haralambose, (1991)« **Sociology themse and perspectives**», Oxford University, 84:320-350.

26. Kabamalan, M.M. (2004) «**New path to Marriage: The Significance of increasing Cohabitation in the Phiippines**, Phiippine population Review, 3:17-33.

27. Kulu, H.& Boyle,P(2010) «**Premarital cohabitation and divorce: Support for the "Trial Marriage" Theory?**» , published by the Max Planck Institute for Demographic Research Konrad-Zuse Str31: 879-904.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]